



درباره این سفر عظیم به‌کار گرفت.

● موبک‌های خانوادگی در اربعین چه نقشی در ایجاد ارتباط عمیق‌تر و وحدت میان خانواده‌های ایرانی و عراقی دارد؟

وقتی خانواده‌ها به راهپیمایی اربعین می‌روند موبک‌های خانوادگی بیشترین میزبانی را خواهند داشت چراکه در این موبک هر عضو از خانواده می‌تواند با هم عضو خود ارتباط برقرار کند و رابطه گرم‌تر و آرامش بیشتری به‌وجود آید. معمولاً خانم‌ها دوست دارند با خانم‌ها معاشرت داشته باشند بنابراین در موبک‌های خانوادگی هم با خانم‌ها ارتباط عمیق‌تری برقرار می‌کنند.

● میزبانی عراقی‌ها از زائران حسینی و خانواده‌های ایرانی در شرایطی که دشمنان سعی در ترویج اسلام ستیزی و اسلام‌هراسی دارند، چه مفهوم و پیامی را به جهان مخابره می‌کند؟

متأسفانه تجربه سفر اربعین را نداشته‌ام اما در تاسوعا و عاشورای حسینی میزبان عراقی‌ها بودم. براساس شنیده‌ها از نزدیکان، اقوام و خانواده‌ام که به این سفر معنوی در اربعین رفته‌اند، عراقی‌ها با اصرار و منت از زائران ایرانی می‌خواهند تا میهمان خانه‌ها و موبک‌هایشان شوند و از مواد خوراکی و غذاهایشان استفاده کنند تا به نوعی در ثواب این سفر معنوی شریک باشند. عراقی‌ها خوش‌رویی، گشاده‌رویی و میهمان‌نوازی در اربعین را یک فضیلت برای خود می‌دانند.

این میزبانی و مهمان‌نوازی در اربعین تجلی نوع‌دوستی است و اوج اخلاق و فرهنگ عاشورایی مبتنی بر انفاق و ایثار را به جهانیان منتقل می‌کند. ممکن است افراد به لحاظ کمی شاهد تجمع تعداد قابل توجهی افراد بوده باشند اما این همایش مثال‌زدنی است و از نظر کمی و کیفی قابل مقایسه با شرکت‌کنندگان در این رویداد نیست. هیچ جایی نمونه مشابهی از این تجمع وجود ندارد که افراد بدون دغدغه جای خواب یا هزینه‌های جاری به گروهی ملحق شوند. هیچ‌گردهمایی و تجمعی در جهان نمود ایثار و انفاق نیست. در چنین تجمع و گردهمایی الهی شاید ایثار جان مطرح نباشد اما ایثار و انفاق مالی هر لحظه قابل رویت و ملموس است. حداقل ویژگی پیاپی روی اربعین و سفر به کربلا در چنین روزی تجلی نوع‌دوستی است.

● آیا هر خانواده می‌تواند نقشی در جاودانگی و ماندگار شدن این پیام داشته باشد؟

بله، پیاده روی اربعین صرفاً یک تجربه شهودی و معنوی نیست بنابراین هر خانواده می‌تواند تجربه زیستی و ارتباطی خود در این سفر را روی کاغذ بیاورد و زائران دیگر را تشویق کند تا نوع مواجهه با یکدیگر و به‌ویژه روابط دوستانه ایرانی‌ها با عراقی‌ها و بالعکس تعاملات عراقی‌ها با ایرانی‌ها را به ذهن بسپارند یا در قالب سفرنامه و دل‌نوشته‌ای ثبت کنند. این تجربه فقط یک تجربه شخصی و فردی نیست بلکه اطلاعاتی مستند و موثق از ارتباطات انسانی است که به ما ذره‌ای از اخلاق متعالیه را که در

بطن انسان‌ها نهفته شده، نشان می‌دهد و به اثبات می‌رساند. ثبت تجربیات سفر اربعین باعث به‌دست آمدن بهترین داده و اطلاعات برای تحلیل خواهد شد و به ما نشان می‌دهد آیا نوع مواجهه مبتنی بر اخلاق ایثار و انفاق بوده یا نه.

● فرهنگ نوع‌دوستی چطور شکل گرفت و چگونه در قالب یک پیاده‌روی یا میزبانی چند روزه عراقی‌ها از یک نفر به دیگری اشاعه پیدا می‌کند؟

اخلاق عاشورایی و حسینی، اخلاق متعالیه است و یک نوع اخلاق کرامیه مبتنی بر انصاف و ایثار جمعی است و به نوعی به اوج رسیدن فاعلیت محض و جود وجود است که دیگران را متنعّم می‌کند. این اخلاق متعالیه در سفر اربعین درونی شده و به شکل دگرگونی نمود پیدا می‌کند.

نوع‌دوستی صفتی ناآشنا برای بشر نیست. گاه گفته می‌شود نوع‌دوستی یک صفت شیعی یا اسلامی یا دینی است اما من می‌گویم نوع‌دوستی یک صفت انسانی است که در مقابل خودخواهی قرار دارد و انسان با آن آشناست. آدمی تشنه دگردوستی است و اربعین انسان‌ها را از این فضیلت اخلاقی سیراب می‌کند.

بشر در دوران جدید با یک فردگرایی و خودگرایی و خودخواهی روبه‌رو شده چراکه بجای آرامش به آسایش شخصی‌اش بیشتر توجه کرده اما از طریق گذشتگان و آموزه‌های دینی خود با نوع‌دوستی آشنایی دارد.

مخصوصاً دین مسیح که دینی مبتنی بر فرهنگ ایثار و اخلاق متعالیه است و بیخود نیست که مسیحیان احترام زیادی برای سیدالشهدا (ع) قائل هستند چراکه تفسیری از مسیحیت دارند که آن را به سومین امام شیعیان هم تعمیم می‌دهند. مسیحیان می‌دانند که حضرت مسیح رنج کشید و به صلیب کشیده شد و عروج کرد تا دیگران نجات پیدا کنند و این ایثار را مسیحیان هم از مسیح آموخته‌اند و به همین دلیل هم پی به ایثار امام حسین (ع) و ۷۲ شهید کربلا می‌برند و ارادت زیادی به شهیدان دشت‌نپنوا دارند. ایثار امام حسین (ع) به مراتب عظیم‌تر از ایثار مسیح است چرا که به تنهایی انجام نشد و ۷۲ شهید و خانواده به اسارت گرفته شده یاران، اهل بیت و کودکان را نیز شامل می‌شود.

● ایثار عاشورایی در اربعین چگونه نمود پیدا می‌کند؟

ایثار یعنی چیزی به دیگری بخشیده شود که خود فرد به آن نیاز داشته باشد و آن را از خود مضایقه کرده باشد. این بالاتر از اصل طلایی اخلاق است. در اصل طلایی اخلاق گفته می‌شود آنچه را برای خود نمی‌پسندیم برای دیگران هم نپسندیم یا آنچه برای خود می‌پسندیم را برای دیگران نیز نپسندیم و در اینجا یک رابطه یک به یک و عدالت فردی مطرح است در حالیکه در ایثار فرد از چیزی می‌گذرد که از آن نفع و سودی برایش وجود دارد. در اربعین مردم این امر را از واقعه عاشورا آموخته‌اند و در قالب فرهنگ عاشورایی به دیگران ارائه می‌کنند و خانواده‌ها در اربعین تجلی عینی این فرهنگ را به‌کررات می‌

بینند و به آن گرایش پیدا می‌کنند.

آدمی دوست دارد مورد مهر و محبت و لطف دیگران قرار گیرد، دوست دارد به کسی اعتماد کند و مورد اعتماد دیگران واقع شود و به همین دلیل هم از این سفر معنوی و الهی لذت می‌برد.

در عصری که غربی‌ها به یکدیگر اعتماد ندارند، وفاق موجود در جامعه غرب وفاق سیاسی است و نه اجتماعی. در دوره‌ای که شاخص بی‌اعتمادی در کشورهای اروپایی به اوج رسیده و نظریه پردازان غرب معتقدند انسان‌ها گرگ یکدیگر هستند و در نهایت یکدیگر را می‌بلعند، فرهنگ عاشورایی در روز اربعین از گذشت، ایثار، مهربانی، دگردوستی می‌گوید. متأسفم که برخی از افراد این درندگی و حیات غربی را نمی‌بینند و فقط به ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در کشور توجه می‌کنند، آنها طوری بابتی انصافی از شرایط موجود در کشورهای اروپایی صحبت می‌کنند که گویا آنجا بهشت و اینجا جهنم است.

این در حالی است که اربعین خود نمود امید و اعتماد است که باید آن را دید و به آن افتخار کرد اگرچه این افتخار فعلاً در جهان اسلامی و خاص جامعه تشیع اتفاق افتاده است و می‌تواند به جهان اشاعه پیدا کند و انسان تشنه را سیراب کند.

● اربعین در پرورش نسل جدید چقدر می‌تواند سازنده باشد؟

تأثیر این امر به میزان نیاز و احتیاج بشر به اعتماد، دگردوستی و نوع‌دوستی و انفاق است. آیا انسان منهای حیات اجتماعی هم معنا دارد؟ آیا انسان غیراجتماعی وجود دارد؟ خیر. انسان حتی در زمانی که در رحم مادر است نیز موجودی اجتماعی است و وقتی هم که به دنیا می‌آید در بستری از حیات اجتماعی قرار می‌گیرد بنابراین اگر تربیتی مبتنی بر وجه ضروری اجتماعی و لوازم حیات اجتماعی وجود داشته باشد، جوان اعتماد را در زندگی می‌آموزد.

به عبارتی دیگر انسان یک خلق جمعی دارد و اجتماعی خلق شده و برای همین هم باید تقسیم‌کار و... انجام شود چراکه او به تنهایی نمی‌تواند نیاز خود را برآورده کند، او نیازمند دیگری و دیگری نیازمند فرد دیگری است و همین امر به معنای اهمیت نیاز به اعتماد برای برقراری روابط و تعاملات اجتماعی است.

توجه داشته باشید که انسان اگر به دیگری اعتماد نداشته باشد، از ترس برداشته شدن کلاهش در کلاهبرداری از دیگری سبقت می‌گیرد در حقیقت او کلاه فرد دیگری را برمی‌دارد تا کلاهش برداشته نشود و این نتیجه تفکرات عقلانی حسابگرانه فردی است. به میزانی که بی‌اعتماد هستیم توجه کنید و تجسم کنید در چنین شرایطی چه زندگی تلخی برای یکدیگر می‌سازیم، در حالیکه جوان در اربعین می‌بیند که میزبان عراقی تمام اندوخته و مواد خوراکی خود را در اختیار زائران قرار می‌دهد، او در این سفر اعتماد و نوع‌دوستی را می‌بیند و می‌آموزد.

این سفر معنوی به افراد از جمله جوانان یادآور می‌شود که انسان اجتماعی به‌دنیا آمده و یکی از لوازم و شرط کافی و لازم اجتماعی زندگی کردن، اعتماد است که با نوع‌دوستی به‌دست می‌آید و ارتباط مستقیمی میان اعتماد، انفاق و نوع‌دوستی و حیات اجتماعی وجود دارد.

حداقل کارکرد حضور

در اربعین علاوه بر

ابعاد عاطفی، عرفانی

و معنوی، تحکیم

همبستگی اجتماعی

و تقویت سرمایه‌های

اجتماعی است

یعنی وقتی خانواده با

یکدیگر به سفر کربلا

می‌روند روابط فی‌ما

بینشان از استحکام

بیشتری بهره‌مند

می‌شود